



THE BISMARCK EPISODE

نام کتاب داستان بیسمارک
نویسنده راسل گرنفیلد
محل نشر وستهام پابلیشنگ
سال نشر ۱۹۶۸

غرق کردن بیسمارک که بی‌شک از نمادهای قدرت آلمان نازی در عرصه اقیانوس بود جزو مهم‌ترین دستاوردهای تاریخ ناوگان دریایی سلطنتی انگلستان است. کاپیتان گرنفیلد که خود بازنشسته نیروی دریایی و از خبرنگاران جنگ روزنامه دیلی تلگراف است تصمیم می‌گیرد با قلم توانایی که در نویسندگی دارد، ماجرای تلاش نفس‌گیر ناوگان کشتورس را برای پیدا کردن و از بین بردن بیسمارک به صورت دراماتیک بازگو کند.

EXPEDITION BISMARCK

نام فیلم اکتشاف بیسمارک
کارگردان جیمز کامرون
سال تولید ۸ دسامبر ۲۰۰۲
مدت ۹۲ دقیقه
ژانر مستند



کامرون در این فیلم حیرت‌آور سفری اکتشافی را به اعماق اقیانوس اطلس آغاز می‌کند و می‌کوشد با تکیه بر گفته‌های بازماندگان دو طرف ماجرا و البته با استفاده از تصاویر رایانه‌ای، نحوه غرق شدن بیسمارک را به خوبی بازسازی کند. هدف او از این ژرف کاوی پاسخ به یک سوال است: آیا بیسمارک غرق شده یا آلمان‌ها به عمد آن را زیر آب فرستادند. کامرون در حاشیه قصه اصلی، تاریخچه و توانمندی‌های حیرت‌آور بیسمارک، غول دریایی آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم، را نیز بررسی می‌کند. «اکتشاف بیسمارک» جایزه امی سال ۲۰۰۳ را در بخش «ادیت صدا» برد.

SINK THE BISMARCK

نام فیلم بیسمارک را غرق کنید
کارگردان لوئیس گیلبرت
بازیگران کنت مور، کارل اشتفانک، دانا وینتر
سال تولید ۱۱ فوریه ۱۹۶۰
مدت ۹۷ دقیقه
ژانر درام، اکشن، تاریخی



کاپیتان شفرود (با بازی مور) فرمانده عملیات‌های دریایی نیروهای انگلیسی متوجه می‌شود که بیسمارک در حال عبور از اقیانوس اطلس است. شکست سنگین از لوتجنس (با بازی اشتفانک)، فرمانده این رزم‌ناو آلمانی، و کشته شدن همسرش در حمله هوایی نازی‌ها باعث می‌شود شفرود عزم خود را برای انتقام‌گیری جزم کند. غرق شدن ناو «هود» و آسیب‌دیدگی جدی «پرنسس ولز» در نبرد ابتدایی شفرود را از هدفش باز می‌دارد، ولی طولی نمی‌کشد که شفرود کشتی‌های «ناوگان مدیترانه» را به همراه چند هواپیما سراغ بیسمارک می‌فرستد تا آنها در نهایت افتخار ناوگان دریایی آلمان‌ها را بر آب بفرستند. گیلبرت در این فیلم تصاویر مستند را هم در کارش گنجانده تا به درک بیننده از حال و هوای آن دوران کمک کرده باشد.

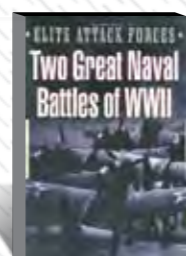
رزم‌ناو آلمان در منابع تصویری و مکتوب

روایت‌های بیسمارک

بیسمارک سال‌هاست که در اعماق آب‌های اقیانوس گوشه‌ای افتاده و خیس می‌خورد، ولی به نظر می‌رسد قرار نیست کسی آن را به خشکی بیاورد تا دست کم مردم ببینند افتخار نیروی دریایی آلمان در جنگ جهانی دوم واقعا چه بوده و چرا چنین بلایی سرش آمده است. برای همین، کتاب‌ها و فیلم‌هایی که بر اساس مدارک و شواهد موجود نوشته و تهیه شده‌باشند کمک می‌کنند این خلاص‌تر حس شود.

TWO GREAT NAVAL BATTLES OF WWII

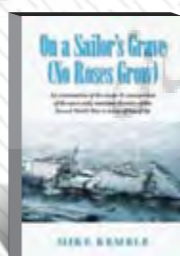
نام کتاب دونبرد بزرگ دریایی جنگ جهانی دوم
نویسنده مایکل شارپ
محل نشر بوک سیلز
سال نشر ۲۰۰۸



این کتاب بررسی دونبرد بزرگ دریایی در سال‌های جنگ جهانی دوم، یعنی «شکار بیسمارک» و «جنگ دریای کورال»، را از نظر خواننده می‌گذراند و البته در شیوه روایت هم به هیچ‌یک از دو طرف ماجرا که آلمان و انگلیس باشند متمایل نمی‌شود؛ زیرا تنها می‌خواهد ماجرا را تعریف کرده باشد.

ON A SAILOR'S GRAVE (NO ROSES GROW)

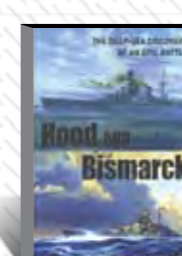
نام کتاب روی سنگ قبر یک دریانورد گل رز نمی‌روید
نویسنده مایکل کمبل
محل نشر وودفیلد پابلیشنگ
سال نشر ۲۰۰۵



این اثر بعضی از فجایع دریایی جنگ جهانی دوم از جمله نبرد می‌سال ۱۴۹۱ بین نیروی دریایی انگلیس و آلمان را بررسی می‌کند. گنجاندن تعداد تلفات و ناوهای سرنگون شده و پرداختن به تمام زوایای ماجرا مشکل است، ولی کمبل تلاش کرده با اطلاعات دست‌اول بازماندگان و شاهدان عینی به خواننده نشان دهد چگونه در نبرد سلطه بر دریاها عده‌ای جانشان را از دست دادند.

HOOD AND BISMARCK

نام کتاب هود و بیسمارک
نویسنده دیوید میرنز و راب وایت
محل نشر جنل فور بوکس
سال نشر ۲۰۰۲



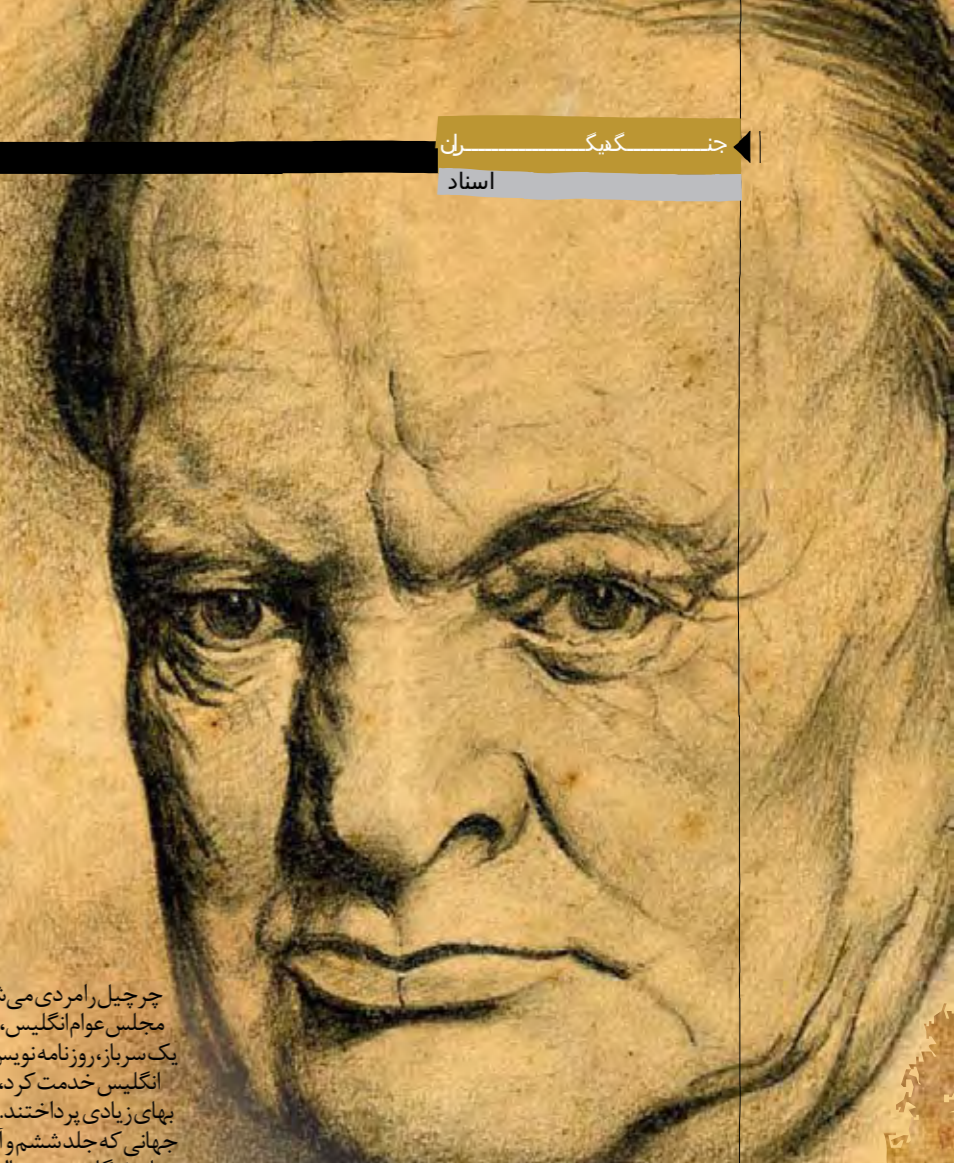
این کتاب در توصیف موضوع قدم به قدم پیش می‌رود؛ ابتدا روزهای قبل از جنگ تن به تن رزم‌ناوهای هود و بیسمارک با هم را برای خواننده به تصویر می‌کشد و بعد به نحوه درگیری آنها در جنگ جهانی دوم و زیر آب رفتن تک‌تکشان با چند روز اختلاف می‌پردازد. حالا هم نوبت به عملیات‌های اکتشاف تیم‌های مختلف برای یافتن بقایای آنها می‌رسد. البته می‌توان گفت این تازه اول ماجراست، چون این کتاب با ایفای نقش اندک بازماندگان دو کشتی در یادآوری و بازآفرینی صحنه نبرد، به روایت شدن بعد انسانی ماجرا کمک می‌کند.

BISMARCK

نام کتاب من بیسمارک را غرق کردم
نویسنده رابرت بالارد و ریگ آریبولد
محل نشر کارتول بوکس
سال نشر ۲۰۰۷



اگر کسی پس از جنگ جهانی دوم به دنیا آمده باشد و بخواهد در مورد یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های دریایی آن زمان به صورت تحلیلی، موشکافانه و البته مصور اطلاعات کسب کند باید بدون معطلی سراغ این کتاب برود. بالارد در این اثر شگفت‌آور با استفاده از عکس‌های بسیار جذاب و دقیق و همچنین مجموعه تصاویر گرافیکی کن مارشال ابتدا سعی کرده بیسمارک را از نظر فیزیکی ظاهری به خواننده بشناساند و به طور کامل در مورد علت ساختش توضیح دهد و بعد او را به اعماق آب‌های آتلانتیک ببرد تا خود با چشمانش ببیند این رزم‌ناو چگونه از آنجا سر در آورده است.



روایت چرچیل از غرق کردن بیسمارک؛ شاهکار کشتی سازی جهان

بیسمارک باعث نگرانی است

چرچیل را مردی می شناسند که زندگی اش در «ترین» ها خلاصه می شد: منفور ترین عضو مجلس عوام انگلیس، محبوب ترین رهبر و یکی از متلون ترین شخصیت های قرن بیستم، او یک سر باز، روزنامه نویس، مورخ، سیاستمدار، خطیب و دولتمرد بود که در عهد پنج پادشاه به انگلیس خدمت کرد، هر چند مردمان سرزمین های دیگر کره خاکی در ازای این خدمت او، بهای زیادی پرداختند. چرچیل در عمرش سی جلد کتاب نوشت. شش جلد خاطرات جنگ جهانی که جلد ششم و آخرش را در هفتاد و نه سالگی منتشر کرد. فعالیت اصلی او در نوشتن، تاریخ نگاری بود. «مالبرو، حیات و عصر او» به شرح حال نیای او اختصاص داشت. اما بیخش را در داستان نویسی هم از مود: «ساورولا، داستانی از انقلاب لورانتیا» قصه ای بلند و پرهیجان و پیشگویانه از اوست، می گویند کار خوب را ولو از دشمن یاد بگیر. چرچیل از آن دسته آدم هایی است که می شود خصلت نوشتن و یادداشت برداری از وقایع تاریخی را از او یاد گرفت: سیاستمداری که خاطرات دوران خدمتش را ملوک طلق خود یاداشته های شخصی اش قلمداد نکرد و آن را با همه مردمان خود و دیگر سرزمین هایه اشتراک گذاشت. در اینجا بخش بسیار کوتاهی از خاطرات او را درباره نبرد دریایی انگلیس و آلمان مرور می کنیم.

در ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح، یعنی در موقعی که ماهه کلی نومیذ شده بودیم، بیسمارک پیدا شد. وزارت دریایی و وزارت نیروی هوایی به گشتی های هوایی دستور داده بودند که از ایرلند پرواز کرده در جستجوی ناو بیسمارک باشند. یکی از آنها ناو فراری را که در هفتصد میلی برست بود و به طرف این بندر حرکت می کرد مشاهده نمود. زره دار آلمانی به طرف این گشتی هوایی تیراندازی کرد و به آن آسیب رساند و رابطه با رادیوی گشتی هوایی مجدداً قطع گردید. اما یک ساعت بعد دو هواپیمای ناو هواپیمابر آرک رویال مجدداً آن را پیدا کردند. ناو از شعاع عمل نیروی هوایی آلمان که در برست متمرکز شده بود خارج بود. ناو نون می توانست خود را به بیسمارک برساند اما به تنهایی نمی توانست با آن وارد نبرد شود و می بایستی منتظر رسیدن کینگ جرج پنجم و رادنی شود و این دو ناو نیز بسیار دور بودند. در این اثنا ناخدا «ویان» که کاروان دریایی خاورمیانه را همراهی می کرد و به او دستور داده شده بود که کاروان را رها کرده و به جستجوی بیسمارک بپردازد پیامی از یک هواپیمادر یافت کرد که محل دقیق ناو بیسمارک را به او اطلاع می داد. بدون این که منتظر فرمان جدیدی باشد به طرف

می داد به طرف آن از در می انداختند.

عصر دوشنبه من به وزارت دریایی رفتم تا عملیات را در روی نقشه تعقیب کنم. دقیقه به دقیقه سیل گزارش های جدید می رسید. دریاسالار فریزر لرذ سوم دریاداری و رئیس تجهیزات دریایی در آنجا بود. من از او پرسیدم: «شما در اینجا چه می کنید؟» جواب داد: «منتظرم ببینم چه ناو هایی را باید تعمیر کنم!»

چهار ساعت گذشت و هنگامی که می خواستیم به خانه برگردیم مشاهده کردم که دریاسالار پوند و کارشناسانی که اطرافش بودند به انهدام بیسمارک اطمینان داشتند. دریاسالار لوچنس فرمانده ناو بیسمارک کمی قبل از نیمه شب پیام زیر را به وزارت دریایی آلمان فرستاد: «تا قابل هدایت نیست. ما تا آخرین گلوله به نبرد ادامه خواهیم داد. زنده باد پیشوا!» زره دار آلمانی در چهار صد میلی برست بود و نمی توانست در خط مستقیم حرکت کند. چندین واحد بمب افکن به کمک این نبرد ناو فرستاده شدند و به زیر دریایی ها دستور داده شد که خود را به صحنه نبرد برسانند. یکی از این زیر دریایی ها که تمام اژدر های خود را رها کرده بود گزارش داد که ناو هواپیمابر آرک رویال از مقابل او و در تیررس زیر دریایی مشغول حرکت است. در این احوال کینگ جرج پنجم و رادنی نزدیک می شدند. کمی سوخت دریاسالار تاوی را مضطرب کرده بود و مصمم بود که اگر تا نصف شب سرعت بیسمارک کمتر نشود از تعقیب ناو دشمن چشم ببوید. به توصیه من فرمانده کل ناوگان سلطنتی به او دستور داد که به تعقیب ناو آلمانی بپردازد و حتی اگر مجبور شویم و بعد از آن را تا بندر انگلیس به دنبال یک ناو بکشیم، از تعقیب منصرف نشود. اما در آن وقت ما نمی دانستیم که نبرد ناو آلمانی بدون مقصد حرکت می کند. تسلیحات اصلی ناو آلمانی عیب نکرده بود و دریاسالار تاوی تصمیم گرفت هنگام صبح نبرد را شروع کند.

در صبح ۲۷ مه طوفان شدیدی شروع شد. ناو رادنی در ساعت ۸ شروع به تیراندازی کرد و یک دقیقه بعد نیز کینگ جرج پنجم شلیک را آغاز کرد. ناو های انگلیسی گلوله های خود را به هدف زدند و ناو بیسمارک پس از چند لحظه سکوت به شلیک آنان پاسخ داد.

تیراندازی این ناو، با وجود آنکه ملوانان و افسران آن از خستگی نزدیک به مرگ بودند و مدت چهار روز دائماً مشغول خدمت بوده و گاهی پشت لوله توپ بی اختیار به خواب می رفتند، چند دقیقه ناو رادنی را مجبور به سکوت کرد اما کم کم تفوق آتش توپخانه ناوگان انگلیسی مسلم گردید و توپ های ناو بیسمارک یکی پس از دیگری مجبور به سکوت شدند. حریفی در وسط کشتی بیسمارک ایجاد شده بود و بادود غلیظی استتار می کرد. ناو رادنی در جلوی بیسمارک قرار گرفت و از ۴۰۰ متری باران گلوله بر سر ناو آلمانی ریخت. در ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه تمام توپ های بیسمارک سکوت کردند و کل آن نیز از وسط شکست. ناو یکپارچه آتش شده بود و به چپ و راست می رفت اما در این حال هم غرق نشده بود.

در ساعت ۱۱ من در مجلس عوام می بایستی درباره نبرد در جزیره کرت و سر نوشت بیسمارک به نمایندگان گزارش دهم. طی نطق خود گفتم: «امروز صبح، کمی پس از طلوع آفتاب، ناو بیسمارک که فی الواقع از حرکت افتاده بود از طرف ناوگان سلطنتی محاصره شد. من هنوز از نتیجه گلوله باران این ناو اطلاع ندارم. تصور نمی رود که بیسمارک با شلیک توپخانه دریایی ما غرق شده باشد و باید کار آن را با اژدر یکسره کرد. محتمل است که هم اکنون کار یکسره نشده باشد و شاید طولی



چرچیل منفورترین عضو مجلس عوام انگلیس بود که بعد از غرق کردن بیسمارک اندکی محبوب شد

نکشد که سر نوشت بیسمارک معلوم گردد. اگر چه از دست رفتن ناو هود برای ما گران تمام شد اما نباید فراموش کرد که ناو بیسمارک بزرگ ترین نیرومندترین و جدیدترین ناو دنیا بود. هنگامی که به جای خود برگشتم و نشستم کاغذی به دستم دادند که مجبور شدم دوباره از جای برخیزیم و گفتم: «از مجلس معذرت می خواهم که باز وقت نمایندگان محترم را می گیریم، الساعه به من خبر دادند که ناو بیسمارک غرق شد.» با اعلام این خبر همه نمایندگان خوشحال شدند.

در واقع ناوشکن های ما آخرین ضربه را به بیسمارک زدند و در ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه از دری که به بیسناو خورد آن را غرق کرد. دو هزار نفر سر نشین این ناو فرمانده آن غرق شدند. ما ۱۱۰ نفر از سر نشینان آن را که از خستگی از پای در آمده بودند اما هنوز حرارت و جسارت خود را از دست نداده بودند، نجات دادیم. عملیات نجات مغرورین بار سیدن یک زیر دریایی آلمانی متوقف شد و ناوگان سلطنتی مجبور شدند پراکنده شوند. پنج نفر دیگر از سر نشینان بیسمارک را یک زیر دریایی انگلیسی و یک کشتی که مشغول مطالعات جوی بود نجات دادند.

رژمن او اسپانیایی «کانار باکی» که بعداً به محل حادثه رسید جز نعلش سر نشینان بیسمارک در سطح آب چیز دیگری نیافت. این ماجرا قسمتی از جنگ دریایی را روشن می سازد و نشان می دهد که چگونه ناو های جنگی آلمان تمام قوای ما را در اقیانوس اطلس تهدید می کردند و آنها را به خود مشغول می داشتند. اگر ناو بیسمارک موفق به فرار می شد، فکر ضربه ای که بر ما وارد ساخته بود و ضرباتی که ممکن بود بعداً بر ما وارد سازد سوء تأثیر عظیمی در روحیه ملل متفق می کرد. باز هم در واقعیت تفوق دریایی ما شک می کردند و این شک و تردید برای ما خطرات عظیمی ایجاد می نمود. افتخار غرق بیسمارک نصیب رشته های مختلف نیروی دریایی انگلیس می شد. ابتدا ناوشکن ها بیسمارک را تعقیب کردند و سپس هواپیماهای وزارت دریایی آن را تعقیب کردند و محوش را به ناوشکن ها اطلاع دادند. سپس رزمناو ها بالاخره ناوشکن ها نبرد ناو دشمن را محاصره کردند و آن را تار سیدن نبرد ناو های انگلیسی به خود مشغول داشتند. البته همه آنها در این افتخار سهیم هستند اما نباید فراموش کرد اگر پرنس آف ولز اولین جراح را بر بدن نبرد ناو دشمن وارد نمی کرد نتیجه نبرد شاید طور دیگری بود. به این ترتیب بود که توپخانه نبرد ناو ها نقش مهمی در آغاز و پایان این نبرد بازی کردند.

رفت و آمد کاروان ها در اقیانوس اطلس بدون حمله دیگری ادامه یافت. در ۲۸ مه من تلگراف زیر را به پرنس بدنت روزولت مخابره کردم: «من بعداً جزئیات نبرد ناو بیسمارک را برای شما هم خواهم نوشت. این ناو، ناوهمنگانی بود و شاهکار کشتی سازی جهان محسوب می شد. از میان رفتن آن وظایف نبرد ناو های ما را سهل تر می سازد زیرا در غیر این صورت ما می بایستی دائماً مراقب شدن این ناو از بندر آلمان باشیم. بیسمارک می بایستی صبر کند و در بندر آلمان بماند و دائماً ما را تهدید کند. اکنون همه چیز تغییر کرده است و تأثیری که از میان رفتن بیسمارک در ژاپن کرده نباید فراموش کرد. اکنون ژاپنی ها مجبورند در حساب های خود تجدید نظر کنند.»

■ **یونستون چرچیل، خاطرات جنگ دوم جهانی، ترجمه تورج فراز مند، نیل، تهران، دوم، ۶۱**

در یاسالار لوچنس فرمانده ناو بیسمارک کمی قبل از نیمه شب پیام زیر را به وزارت دریایی آلمان فرستاد: «تا قابل هدایت نیست. ما تا آخرین گلوله به نبرد ادامه خواهیم داد. زنده باد پیشوا!» زره دار آلمانی در چهار صد میلی برست بود و نمی توانست در خط مستقیم حرکت کند. چندین واحد بمب افکن به کمک این نبرد ناو فرستاده شدند